



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 9 ● Spring & Summer 2023

Clerics and Religious Propagation after Ayatollah Boroujerdi in the Era of the Five Marjas

Majid Shaker Salmasi*

Abstract

Propagation of religion is one of the important issues for religious society and scholars used every opportunity to promote religion throughout the history of Islam's school of thought. One of the most important historical periods of Islamic seminary of Qom was the period after the authority of Ayatollah Boroujerdi, in which great ayatollahs including Imam Khomeini, Marashi Najafi, Golpayegani, Khansari and Shariatmadari were the religious authorities, and the Islamic seminaries were under the leadership of these Marjas. In this study, the role and position of clerics and how to propagate religion in the era of the mentioned five marjas have been discussed. This research, through the method of describing and analyzing historical data, deals with the facilities, challenges and propagation opportunities of this period, with the aim of turning challenges into opportunities and also strengthening successful methods, as a roadmap for propagators. The findings suggest that the diversity of propagation activities of Islamic seminaries in different areas, establishing a library, publishing books, responding to doubts, paying attention to Qur'anic activities and international propagation, are among the characteristics of this period, which has also had significant accomplishments.

Key words:

The five Marjas, Islamic seminary in Pahlavi era, propagation of clerics, sending propagator.

* PhD in Shia studies, researcher and author: shaker1361@gmail.com.

حوزویان و تبلیغ دینی پس از آیت‌الله بروجردی در عصر مراجع خمسه

مجید شاکر سلماسی*

چکیده

تبلیغ دین، یکی از موضوع‌های مهم برای جامعه دینی بوده و علما در طول تاریخ مکتب اسلام، از هر فرصتی برای ترویج دین استفاده کردند. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی حوزه علمیه قم، دوره بعد از مرجعیت آیت‌الله بروجردی بود که در این دوره، آیات عظام: امام خمینی، مرعشی نجفی، گلپایگانی، خوانساری و شریعتمداری، مرجعیت داشتند و حوزه‌های علمیه تحت زعامت مراجع پنج‌گانه فعالیت می‌نمود.

در این پژوهش، به نقش و جایگاه حوزویان و چگونگی تبلیغ دین در عصر مراجع پنج‌گانه یاد شده پرداخته شده است. این تحقیق، با روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی، به امکانات و چالش‌ها و فرصت‌های تبلیغی این دوره با هدف تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و نیز تقویت روش‌های موفق، به عنوان نقشه راه مبلغان می‌پردازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد تنوع فعالیت‌های تبلیغی حوزه‌های علمیه در عرصه‌های مختلف، تأسیس کتابخانه، نشر کتاب، پاسخگویی به شبهات، اهتمام به فعالیت‌های قرآنی و تبلیغ بین‌الملل، از ویژگی‌های این دوره است که دستاوردهای قابل توجهی نیز داشته است.

کلیدواژگان: مراجع خمسه، حوزه علمیه عصر پهلوی، تبلیغات حوزویان، اعزام مبلغ.^۱

* دکتری شیعه‌شناسی، محقق و نویسنده: shaker1361@gmail.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری^{رحمته‌الله} تالیف شده است.

مفهوم‌شناسی

۱. حوزویان

حوزوی که جمع آن به شکل حوزویان می‌آید، به کسانی اطلاق می‌شود که در نظام آموزشی حوزه علمیه شرکت کرده و در یک دوره فقه استدلالی، فارغ‌التحصیل شده‌اند. این اشخاص، اجازه دارند لباس مخصوص روحانیت به تن کرده و صلاحیت امامت نماز جماعت و وعظ و خطابه و یا تدریس تخصصی معارف دینی را دارند که در اصطلاح به آنان، حوزوی می‌گویند.

۲. تبلیغ دینی

تبلیغ دینی، به کارها و رفتارها و سخنانی اطلاق می‌شود که در راستای دعوت عموم مردم به سوی دینداری و اخلاق‌مداری باشد. هدف تبلیغ دینی، ابلاغ دین به همه مردم جهان، به‌خصوص مسلمانان است؛ چنان‌که در آیات قرآن، به این وظیفه مهم اشاره شده است. این هدف مهم، بر عهده رسول گرامی اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است و بعد از ایشان، این رسالت به عهده عالمان تربیت‌شده در حوزه‌های علمیه است.

۳. آیت‌الله بروجردی

سید حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۵۴ ش - ۱۳۴۰ ش)، از مراجع تقلید شیعه که هفده سال زعیم حوزه علمیه قم و پانزده سال مرجع عام شیعیان جهان بود. پدر ایشان، سید علی طباطبائی، از علمای شهر و مادرش سیده آغابیکم، دختر سید محمدعلی طباطبائی بود. نسب ایشان، با ۳۲ واسطه به امام حسن علیه‌السلام می‌رسد (دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۶۹-۹۵).

آیت‌الله بروجردی، از شاگردان آخوند خراسانی بود که بعد از بازگشت از نجف، در بروجرد ساکن شد. ایشان در تاریخ نهم دی ۱۳۲۳ شمسی وارد قم شد و با استقبال عمومی مردم و نیز مجتهدان و فقیهان قم، از جمله آیت‌الله سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹-۱۳۷۳ق) و آیت‌الله سید محمد حجت (۱۳۱۰-۱۳۷۲ق) و سید محمدتقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ق)، مرجع جهان تشیع و رئیس حوزه علمیه قم، مواجه گردید. آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۵، در حالی به مرجعیت جهان تشیع رسیده بود که بعد از رحلت مؤسس حوزه علمیه قم، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) و میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۷۶-

(۱۳۵۵ق)، مرجعیت شیعه تا سال ۱۳۲۵ به عهده سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق) قرار داشت. مرجعیت عامه آیت‌الله بروجردی، به مدت نزدیک به ۱۵ سال ادامه یافت. آیت‌الله بروجردی در دوره پانزده ساله مرجعیت و زعامت حوزه‌های علمیه، رونق فراوانی به وضعیت شیعیان بخشید.

آیت‌الله سید حسین بروجردی در ۱۳ شوال ۱۳۸۰ق برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ش، از دنیا رفت (حائری، روزشمار شمسی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸).

۴. مراجع خمسه

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، نخستین سؤالی که در ذهن عامه مردم پدید آمد، مسئله مرجعیت بود و اینکه از این پس، چه کسی زعامت شیعیان را بر عهده خواهد داشت. در آغاز دهه چهل، آیات عظام: حکیم (۱۳۰۶-۱۳۹۰ق)، شاهرودی (۱۲۶۲-۱۳۵۳ش)، خوبی (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) در نجف اشرف، و آیات عظام: گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق)، شریعتمداری (۱۲۸۴-۱۳۶۵ش)، مرعشی نجفی (۱۲۷۶-۱۳۶۹ش)، امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ش) و خوانساری (۱۳۰۹-۱۴۰۵ق) در قم مطرح بودند. مراجع پنج‌گانه شیعه در قم که زعامت حوزه علمیه به مرکزیت قم و مرجعیت شیعه را از ایران بر عهده داشتند، مورد اقبال حوزویان و شیعیان قرار گرفتند و به امور دینی شیعیان اشتغال یافتند.

شرح مختصری از وضعیت اجتماعی و جایگاه حوزوی مراجع پنج‌گانه، به شرح ذیل است:

(۱) آیت‌الله گلپایگانی

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق)، علوم دینی را در اراک آغاز نمود و بعد از مهاجرت به قم، از حضور حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، میرزای نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ق)، شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی (۱۲۴۹-۱۳۲۱)، حاج شیخ ابوالقاسم کبیر (۱۲۸۰-۱۳۵۳ق)، آیت‌الله بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰)، آقا ضیاءالدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ق) و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱) فقاهاست آموخت (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۵۶).

اگرچه آیت‌الله گلپایگانی در امور سیاسی محتاطانه عمل می‌کرد و چندان وارد مسائل سیاسی نمی‌شد، ولی بعد از شروع مبارزات سیاسی امام خمینی با رژیم پهلوی، در زمره حامیان امام خمینی در آمد و با پیام‌ها و اعلامیه‌ها، همراه امام خمینی به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداخت (همان).

آیت‌الله گلپایگانی در دوره مرجعیت خود، منشأ خدمات فراوانی بوده است که مهم‌ترین خدمات فرهنگی و اجتماعی ایشان، تأسیس: بیمارستان، دارالقرآن الکریم، مدارس علمیه، مجمع جهانی اسلامی در لندن و مؤسسه خیریه حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد (همان).

(۲) آیت‌الله شریعتمداری

آیت‌الله سید محمدکاظم شریعتمداری، در شروع مبارزات امام خمینی، از حامیان وی به شمار می‌رفت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به نظام جمهوری اسلامی رأی موافق داد؛ ولی در ادامه، با اختیارات ولی فقیه مندرج در قانون اساسی مخالفت نمود. اگرچه آیت‌الله شریعتمداری در دوران پهلوی، سرکوب مردم در قیام ۱۵ خرداد را محکوم کرد و از فعالیت‌ها و مبارزات امام خمینی حمایت می‌نمود، ولی موافق سقوط نظام شاهنشاهی و سلطنتی نبود و با برگزاری انتخابات و عمل به قانون اساسی در چهارچوب سلطنت مشروطه تأکید داشت. وی در سال ۱۳۴۴ با تأسیس «دارالتبلیغ اسلامی» و مجله مکتب اسلام، بیشتر به امور دینی و تبلیغی شناخته می‌شد.

(۳) آیت‌الله مرعشی نجفی

آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، از مراجع تقلید شیعه پس از آیت‌الله بروجردی است. ایشان از شاگردان شیخ عبدالکریم حائری و آقا ضیاء عراقی بود و نیز از درس سید علی قاضی، سید احمد کربلایی و میرزا جواد ملکی تبریزی بهره برد. دیدگاه‌های آیت‌الله مرعشی، موافق با امام خمینی بود و در مناسبت‌های مختلف، به اعتراض علیه حکومت شاهنشاهی پرداخته بود (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۱۸)؛ هرچند در برخی موارد نیز جانب احتیاط را رعایت می‌نمود و گاهی از طلاب انقلابی خواسته بود تا در اقدامات خود، بهانه‌ای برای کشتار به دست حاکمیت ندهند (همان).

در میان فعالیت‌های آیت‌الله مرعشی نجفی در قامت مرجع تقلید، حفظ میراث مکتوب

اسلامی، بسیار چشمگیر است. ایشان کتابخانه‌ای را در قم تأسیس کرد که امروزه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های خطی کهن اسلامی، نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌رود.

(۴) امام خمینی

پیشنهاد مرجعیت آیت‌الله بروجردی بعد از رحلت آیت‌الله حائری، از سوی شاگردان آیت‌الله حائری و از جمله امام خمینی مطرح شد. امام خمینی در حالی که خود از مدرسان و مجتهدان حوزه علمیه قم بود، در هجرت آیت‌الله بروجردی به قم و پذیرش مرجعیت و زعامت حوزه علمیه قم توسط ایشان، بسیار مؤثر بود (روح‌بخش اله آباد، ۱۳۸۸، ش ۴۳، ص ۱۲۰).

امام خمینی بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، با وجود استقبال حوزه علمیه و مردم، برای مرجعیت خود فعالیتی نکرد و حتی در مقابل اقدامات دوستان خویش در این مسیر، سرسختانه مقاومت نمود. رژیم شاه کوشید پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، مرجعیت را از ایران خارج کند؛ ولی شخصیت علمی، نگاه زهدگرایانه و تلاش‌های امام برای افشاکاری خیانت‌ها و جنایت‌های شاه، موجب شد که مرجعیت امام در میان روحانیت و مردم گسترش یافته و تثبیت شود.

(۵) آیت‌الله خوانساری

آیت‌الله سید احمد خوانساری، از مراجع تقلید شیعه و از شاگردان: آخوند خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، میرزای نائینی و آقا ضیاء عراقی بود. مرجعیت ایشان، بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی آغاز شد.

شهرت آیت‌الله خوانساری به پارسایی و ساده‌زیستی، بیش از شهرت ایشان در مرجعیت وی بوده است. اگرچه آیت‌الله خوانساری در برخی مسائل از نقد و اعتراض نسبت به برخی عملکرد حکومت شاهنشاهی فروگذار نبود، ولی در ادامه، نوعی احتیاط و میانه‌روی در پیش گرفت و در مسائل سیاسی، بسیار محتاطانه وارد می‌شد. این احتیاط و میانه‌روی، موجب شده بود حکومت پهلوی نیز این امر را در نظر داشت. آیت‌الله خوانساری نیز از این موقعیت استفاده کرده و بارها واسطه آزادی زندانیان سیاسی قرار گرفته بود (متولی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

عرصه‌های تبلیغ دین در عصر مراجع خمسه

عرصه تبلیغ دین، منحصر در تبلیغ سنتی به صورت سخنرانی در منبر نیست؛ بلکه می‌توان به عرصه‌های متفاوت دیگری اشاره کرد؛ مانند: تربیت اساتید و مبلغان دینی، تأسیس مدارس علمیه و نهادهای علمی در علوم و معارف دینی، راه‌اندازی نهادهای تبلیغ و ترویج معارف شیعی، تأسیس نهادهای قرآنی و علوم قرآنی، راه‌اندازی مراکز در عرصه بین‌المللی، ساخت کتابخانه و حفظ میراث مکتوب شیعی و تأسیس انتشارات فعال در حوزه نشر کتاب‌های دینی.

۱. تربیت مبلغان و اساتید علوم دینی

یکی از مهم‌ترین وظایف مرجعیت در راستای تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت مبلغان و اساتید در حوزه‌های علمیه است که هر یک از ایشان بتواند منشأ برکات در تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد. این مهم، در دوره مراجع خمسه نیز با جدیت از سوی مرجعیت دنبال شد و بزرگان حوزه علمیه قم در محضر ایشان تلمذ کرده و هر کدام به ستاره‌ای در آسمان فقاقت و ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تبدیل شدند. بدیهی است که تعداد واقعی شاگردان و تربیت‌یافتگان مرجعیت، بسیار زیاد است و خود پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ ولی به‌اختصار برخی از شاگردان بارز مرجعیت در این دوره تاریخی اشاره خواهد شد.

✽ از خدمات ارزنده آیت‌الله گلپایگانی در قامت مرجع تقلید می‌توان به تربیت شاگردانی اشاره کرد که خود از شخصیت‌های بزرگ علمی و سیاسی بودند و خدمات بزرگی به اسلام داشتند. برخی از این شاگردان، عبارت‌اند از: جعفر سبحانی، اکبر هاشمی رفسنجانی، حسن حسن‌زاده آملی، حسین علی منتظری، رضا استادی، سید اسدالله مدنی، سید محمد حسینی بهشتی، علی مشکینی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، محمد مفتاح، مرتضی مطهری و ناصر مکارم شیرازی (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

✽ آیت‌الله شریعتمداری نیز علاوه بر درس‌های عمومی و تربیت شاگردان در حوزه علمیه، به تدریس خصوصی نیز می‌پرداخت و افرادی مانند: امام موسی صدر، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، جعفر سبحانی و سید موسی شبیری زنجانی، در درس خصوصی او شرکت می‌کردند (صحرائی، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ص ۹۵).

✽ امام خمینی نیز در دوران مرجعیت خود، در کنار مبارزات سیاسی علیه رژیم شاهنشاهی،

اساتید بزرگی تربیت نمود که برخی از آنها عبارت‌اند از: یوسف صانعی، ابراهیم امینی، اکبر هاشمی رفسنجانی، جعفر سبحانی، حسین نوری همدانی، سید عزالدین حسینی زنجانی، سید علی حسینی خامنه‌ای، سید محمد حسینی بهشتی، محمد فاضل لنکرانی، محمد مؤمن قمی، محمدتقی مصباح یزدی و مرتضی مطهری (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۹-۲۰).

✽ آیت‌الله مرعشی نجفی، تدریس را در سطح شروع کرد و کتاب‌های: معالم الأصول، شرح لمعه، قوانین الأصول، فرائد الأصول، متاجر و کفایة الأصول را تدریس نمود. ایشان علاوه بر فقه و اصول، در علوم نظیر: منطق، کلام، تفسیر، فلسفه، رجال، درایه و علم انساب، مهارت داشت و تدریس می‌کرد. درس فقه ایشان نیز بر اساس شرائع الاسلام محقق حلی بود. شاگردان ایشان، عبارت‌اند از: سید مصطفی خمینی، مرتضی مطهری، محمد مفتاح، دکتر بهشتی، سید محمود طالقانی، حسین نوری همدانی، امام موسی صدر، ابوطالب تجلیل تبریزی، سید مرتضی عسکری و محی‌الدین حائری شیرازی (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

✽ آیت‌الله خوانساری در دوران مرجعیت خود، شاگردانی تربیت کردند که هر یک از اساتید بنام در حوزه علمیه بودند؛ افرادی مانند: مرتضی مطهری، سید رضا صدر، محمدتقی ستوده، محمدباقر سلطانی، مرتضی حائری یزدی و علی پناه اشتهاوردی (نجوم امت، نشریه نور علم، ۱۳۶۳).

۲. تأسیس مدارس علمیه و نهادهای علمی

حوزه‌های علمیه، جایگاه و اهمیت بسیاری در مکتب اسلام و تشیع داشته است. اولین کسی که اقدام به تأسیس مدرسه دینی نمود، رسول گرامی اسلام ﷺ بود که در مسجد اقدام به تربیت شاگردان و مبلغان دینی نمود و با اعزام ایشان به مناطق مختلف، به ترویج مکتب اسلام می‌پرداخت و این مدرسه علمیه، توسط امام صادق علیه السلام در مدینه گسترش یافت؛ به گونه‌ای که تعداد شاگردان و تربیت‌یافتگان این مدرسه، به هزاران نفر می‌رسید.

مراجع تقلید نیز در دوره‌های مختلف تاریخی با تأسیس مدارس دینی و حوزه‌های علمیه، راه امامان را ادامه می‌دادند و در دوره مراجع خمسه نیز مراجع در راستای رسالت مرجعیت، اقدام به راه‌اندازی مدارس علمیه و نهادهای علمی نمودند که به آن اشاره می‌شود.

آیت‌الله مرعشی نجفی، هرگز نتوانست به زیارت کعبه برود؛ زیرا به گفته خودش، استطاعت و تمکن مالی سفر حج را نیافت؛ چون درآمد خود را صرف خرید کتاب و تأسیس مدارس و

تربیت مبلغان می‌کرد. تأسیس مدرسه مهدیه و شهابیه، از جمله فعالیت‌های ایشان در دوران مرجعیت بود (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

آیت‌الله گلپایگانی نیز در دوران مرجعیت خود، اقدام به راه‌اندازی مدرسه علمیه بزرگی نمود که یکی از مدارس بزرگ حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. مدرسه علمیه آیت‌الله گلپایگانی، در خیابان ارم و در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیها السلام در قطعه زمینی به وسعت ۴۰۰۰ متر مربع در کنار مرقد علی بنابویه قمی و در مقابل قبرستان شیخان تأسیس شد که روزانه بیش از ۴۰۰ کلاس دروس حوزوی خارج فقه، اصول و تفسیر در آن برگزار می‌شود (همان).

۳. تأسیس نهادهای قرآنی و علوم قرآنی

یکی از شبهاتی که علیه شیعه مطرح می‌شود، موضوع عدم اهتمام شیعیان به قرآن کریم است. مراجع شیعه در طول تاریخ، برای ترویج معارف قرآن و اعتلای قرآن و نیز پاسخگویی مناسب به این شبهه، اهتمام ویژه‌ای به قرآن داشتند و در همین راستا نیز در اوایل دهه پنجاه شمسی، آیت‌الله گلپایگانی اقدام به تأسیس مرکز بزرگی به نام «دارالقرآن» نمود که آثار و برکات آن، قابل توجه است. فعالیت این مرکز قرآنی، با چاپ قرآن شروع شد و سپس با گسترش فعالیت‌های آن، خدمات ارزنده‌ای چون معارف قرآنی و علوم قرآن را ارائه نمود. یکی از قسمت‌های ارزشمند دارالقرآن، گروه «کشاف موضوعی» است. کار این گروه، ارائه موضوعات قرآنی است؛ بدین شکل که آیات قرآن را براساس هفت موضوع اساسی، تقسیم‌بندی کرده است (عسگر سپهوند، ۱۳۷۴، ص ۱۱۶).

این دارالقرآن، به جمع‌آوری کتاب‌های مختلف در زمینه علوم قرآن اهتمام داشته است؛ به طوری که در این کتابخانه، صدها جلد کتاب در موضوع تفسیر، نکات ادبی قرآن، شأن نزول و کتب مرجع وجود دارد و قرآن‌پژوهان و محققان علوم قرآنی می‌توانند از آن استفاده کنند؛ چنان‌که آیت‌الله گلپایگانی برای جلوگیری از خروج نسخه‌های خطی و نفیس قرآن، دستور داد با خریداری و حفظ آن، به ساحت قرآن کمک شود. از دیگر خدمات مفید دارالقرآن، ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف دنیاست؛ ضمن اینکه این مرکز، دو مجله یکی به لغت فارسی به نام پیام قرآن و دیگری به لغت عربی به نام رسالة القرآن منتشر می‌کند. این مجلات، به صورت فصلنامه منتشر می‌شوند (همان).

برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی نیز از دیگر فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌رود. تاکنون چندین کنفرانس قرآنی با موضوع‌های ذیل برگزار شده است:

۱. اعجاز قرآن؛

۲. نقش قرآن در تمدن بشری؛

۳. قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛

۴. قرآن و جامعه؛

۵. قرآن و توحید در عبادت.

شایان ذکر است، در طی برگزاری این کنفرانس، صدها مقاله و نوشته علمی و تخصصی در باره علوم مختلف قرآن ارائه شده است که مقالات کنفرانس‌ها به صورت یکجا، و هر کنفرانس در یک جلد، منتشر شده است (همان).

۴. تأسیس مراکز بین‌المللی

حوزه‌های علمی و مراجع معظم تقلید، از حضور در عرصه بین‌الملل غفلت نداشتند و با تمام امکان، با تأسیس مراکز فرهنگی و دینی و اعزام نمایندگان مورد اعتماد، تبلیغ در جامعه جهانی را پیگیری می‌کردند. در این دوره تاریخی، آیت‌الله گلپایگانی نیز با توجه به امکاناتی که در اختیار داشت، اقدام به تأسیس مرکز بزرگی در لندن نمود. این مرکز که با نام «مجمع جهانی اسلام» شناخته می‌شود، در سال ۱۳۵۲ ش به دستور آیت‌الله گلپایگانی و با هدف نشر فرهنگ اسلام و آشنایی عموم با مذهب تشیع و رسیدگی به مشکلات دینی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان مقیم انگلستان در لندن، تأسیس شد. ترویج و تبلیغ آیین اسلام و مذهب تشیع، فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و برپایی نماز جمعه در لندن، از مهم‌ترین فعالیت‌های این مجمع می‌باشد (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۶۶۰ و ۶۶۱).

این مرکز، از قدیمی‌ترین مراکز رسمی اسلامی و شیعی در اروپا محسوب می‌گردد. فعالیت‌های مجمع را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱. ترویج و تبلیغ آیین مبین اسلام و مذهب تشیع؛

۲. فعالیت‌های آموزشی و تربیتی که شامل بخش‌ها و برنامه‌های مختلف است؛

۳. برگزاری نماز جمعه، ایراد خطبه نماز به سه زبان: فارسی، عربی، انگلیسی. در واقع این

مجمع، تنها محلّ برگزاری نماز جمعه شیعیان در انگلستان است (همان). در این دوره تاریخی، مرکز دارالتبلیغ اسلامی که زیر نظر آیت‌الله شریعتمداری فعالیت می‌کرد نیز فعالیت‌های تبلیغی در عرصه بین‌المللی را سامان می‌داد. در این مرکز، امکان تحصیل زنان و طلاب خارجی و آشنایی طلاب با دروس جدید، فراهم شده بود و تربیت مبلّغ دینی از کشورهای دیگر، از فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷). دارالتبلیغ اسلامی، در بخش روابط خارجی با دنیای اسلام، تلاش می‌کرد تا با برخی نهادهای دینی جهان اسلام در تماس باشد. از جمله فعالیت‌های این مرکز در عرصه تبلیغ بین‌الملل، می‌توان به حضور دکتر فحام، شیخ و رئیس دانشگاه الأزهر در قم اشاره کرد و نیز در این مجلس چندین نفر سخنرانی کردند که از آن جمله، شیخ محمد جواد مغنیه بود. این مرکز با ایجاد چند مجله، طلاب را به نویسندگی تشویق کرد (همان).

۵. تأسیس کتابخانه و حفظ میراث مکتوب شیعی

آیت‌الله مرعشی نجفی در دوره اقامت در نجف اشرف، با درک اهمیت حفظ آثار مکتوب اسلامی و ممانعت از خروج این آثار ارزشمند به کشورهای غیراسلامی، اقدام به تهیه و حفظ برخی کتاب‌های خطی نمود. بعد از مهاجرت ایشان از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ق، مجموعه‌های فراهم‌شده را نیز به ایران انتقال داد و در منزل شخصی خویش، به نگهداری از آنها پرداخت و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همّت گمارد.

مرعشی نجفی پس از تأسیس مدرسه مرعشیه، نخست کتابخانه کوچکی در دو اتاق مدرسه مزبور دایر کرد. چهار سال بعد، زمینی به مساحت هزار مترمربع، روبه‌روی مدرسه مرعشیه خریداری گردید. در سال ۱۳۴۸، به دست آیت‌الله مرعشی کلنگ بنای کتابخانه‌ای بزرگ بر زمین زده شد و در سال ۱۳۵۳، کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی با بیش از شانزده هزار جلد کتاب خطی و چاپی، افتتاح شد (گلی زواره، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

امام خمینی طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۴، دولت وقت را موظف نمود که کتابخانه را گسترش دهد. در پی این حکم، ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران، از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولید کتابخانه نیز تعدادی از خانه‌های پیرامون کتابخانه را خریداری کرد و در مجموع، غیر از ساختمان قدیمی کتابخانه، زمین آن بالغ بر ۲۴۰۰ متر گردید (همان).

این کتابخانه، دارای بخش‌های مختلف: امور موقوفات وابسته به کتابخانه، روابط عمومی و امور بین‌الملل، تشریفات و استقبال، دبیرخانه، واحد خواهران، مراسلات و مرکز خدمات همگانی می‌باشد.

مهم‌ترین بخش کتابخانه آیت‌الله مرعشی، عبارت است از مخازن کتاب‌های ارزشمند و کهن که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری)؛
۲. گنجینه میکروفیلم و میکروفیش؛
۳. گنجینه اسناد مکتوب؛
۴. نمایشگاه دائمی نمونه‌هایی از نسخه‌های نفیس خطی کتابخانه؛
۵. گنجینه آثار علمی مکتوب و غیر مکتوب بنیان‌گذار کتابخانه؛
۶. گنجینه نسخه‌های چاپی بسیار کهن؛
۷. گنجینه‌های مرکزی کتاب‌های چاپی: فارسی، عربی، ترکی، اردو و غیر لاتین؛
۸. گنجینه روزنامه‌ها و مجلات ادواری؛
۹. گنجینه کتاب‌های چاپی و مجلات و روزنامه‌های لاتین؛
۱۰. آرشیو کتب ممنوعه؛
۱۱. گنجینه اطلس‌ها و نقشه‌های جغرافیایی (همان).

۶. تأسیس نهادهای تبلیغی

تاکنون شرحی از فعالیت‌های تبلیغی مراجع پنج‌گانه بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه شد. نتیجه‌گیری از این گزارش‌ها می‌تواند به نمایی کلی بینجامد که در اینجا به تأسیس نهادهای تبلیغی اشاره می‌شود:

۱. اولین مدرسه تحت نظم و برنامه حوزوی در قم، مدرسه علوی وابسته به آیت‌الله گلپایگانی می‌باشد که در سال ۱۳۴۰ توسط آیت‌الله گلپایگانی، برنامه خود را آغاز کرد. مدارس آیت‌الله گلپایگانی، پیش‌تاز مدارس نسل جدید حوزه محسوب می‌شوند و از آنجا که آغاز این برنامه با حمایت یک مرجع تقلید انجام گرفت، هم با مقاومت‌های کمتری مواجه شد و هم راه را برای اجرای برنامه‌های اصلاحی آموزشی و تشکیلاتی در سایر مدارس حوزه علمیه باز کرد.

مدرسه آیت‌الله گلپایگانی، به الگویی برای سایر مدارس و تجربه‌ای برای مبتکران آن تبدیل شد تا به شکل شایسته‌تر، آن را در مدرسه منتظریه (حقانی) به اجرا درآورند.

۲. مؤسسه نهج البلاغه در این دوره و در اوایل دهه پنجاه شمسی، توسط حجت‌الاسلام سید جمال‌الدین‌پرور، از فقهای حوزه تأسیس شد (دین‌پرور، ۱۳۸۰ش، ص ۷۲). دین‌پرور، از شاگردان امام خمینی و از نوگرایان انقلابی به‌شمار می‌آمد و به دلیل مبارزات سیاسی، توسط حکومت پهلوی دستگیر شده بود (دین‌پرور، ۱۳۸۲، ص ۲).

۳. یکی از ابتکارات بی‌نظیر تاریخ حوزه‌های علمیه در این دوره را می‌توان راه‌اندازی مدرسه علمیه بانوان با نام «مکتب توحید» در شهر قم قلمداد کرد. در این زمان، گردانندگان این مجموعه که همان پنج زن اهل آبادان بودند، با یکی از تجار نیکوکار تهرانی به نام «حاج توسلی»، جهت حمایت مالی از توسعه مجموعه رایزنی کردند و او هم ضمن قبول این پیشنهاد، این مسئله را با شهید بهشتی و شهید قدوسی در میان نهاد. به این ترتیب، مکتب توحید با حمایت مالی توسلی، برنامه‌ریزی شهید بهشتی و مدیریت اجرایی شهید قدوسی، در سال ۱۳۵۳ آغاز به کار کرد (صفاتی، ۱۳۸۲، ص ۸).

علاوه بر دروس حوزوی، گردانندگان مکتب توحید، دوره‌های فشرده مفیدی همچون: نهج البلاغه، اخلاق و بررسی مکاتب غربی برگزار می‌کردند (همان). آیت‌الله حائری شیرازی اخلاق و نهج البلاغه، قدوسی نهج البلاغه، رازینی صرف ساده و عده‌ای از جمله فلاحیان، مبادی العربیه تدریس می‌نمودند (همان).

۴. مدرسه رسالت نیز یکی از دستاوردهای تربیت‌یافتگان این دوره از حوزه‌های علمیه قم می‌باشد. مدرسه رسالت را باید یکی از مدارس کوچک و نوگرای دهه ۵۰ شمسی دانست. این مدرسه، در سال ۱۳۵۲ش توسط آقای یوسفی دشتی راه‌اندازی شد. متولی مدرسه می‌کوشید تا برنامه‌های نوین اصلاحی را در این مدرسه به اجرا گذارد که از جمله می‌توان به تدریس متون درسی نوین و دروس غیررسمی حوزوی اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۳۴-۳۳۵). جعفریان که خود در این مدرسه درس خوانده است، در خاطراتش می‌گوید: «مدرسه رسالت بعد از مدرسه حقانی، جزو مدارس خوب قم بود که نسبتاً فعال بود و برنامه منظمی داشت» (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۸).

۵. در نخستین سال‌های دهه چهل شمسی، مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان یکی از شاخص‌ترین فعالیت‌ها در جهت نوسازی حوزه، راه‌اندازی شد. به نظر می‌رسد که دارالتبلیغ، صرفاً مؤسسه‌ای برای انجام اقدامات نوگرایان نبود؛ بلکه بنا داشت تا به الگویی سراسری در حوزه تبدیل شود (جمعی از نویسندگان دارالتبلیغ، ۱۳۴۸ ش، ص ۵۱۵). این مجموعه، دارای کتابخانه، چاپخانه، بخش انتشارات، بخش آموزش و مرکز پاسخ به سؤالات بود.

جمعی از مدرّسان عالی‌رتبه حوزه علمیه قم به همراهی آیت‌الله شریعتمداری، اقدام به تأسیس مرکزی نمودند که در راستای تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام فعالیت نماید. در مراسم افتتاح آن، سید موسی صدر، سید صدر بلاغی و سید کاظم شریعتمداری سخنرانی نمودند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹-۱۵۴). تأسیس اولیه و مدیریت دارالتبلیغ اسلامی، بر عهده آقای سید کاظم شریعتمداری بود. هیئت مدیره دارالتبلیغ که در اساسنامه، مؤسسان دارالتبلیغ دانسته شده بودند، عمدتاً تجار تبریزی بازار تهران بودند که به کارهای مذهبی علاقه داشتند و مقلد آیت‌الله شریعتمداری بودند. همچنین آقایان: مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، مصطفی زمانی، داوود الهامی، سید هادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی، رضا گل‌سرخ کاشانی، حاج آقا مجتبی عراقی و علی دوانی، از افراد فعال در دارالتبلیغ بودند و اساتید این مرکز، اساتید شاخص حوزه علمیه قم به شمار می‌رفتند؛ مانند: ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید موسی شبیری زنجان، مرتضی مطهری، سید صدرالدین بلاغی و عطاءالله عاملی (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۳۹).

دوره آموزشی اول دارالتبلیغ، با ۱۲۵ نفر و دوره دوم، با ۱۴۵ نفر از طلاب آغاز شد. برنامه درسی، مشتمل بر: اصول عقاید، بررسی مذاهب و ادیان دیگر، تفسیر و حفظ قرآن، فقه و اصول (در حدّ کلیات و به طور استدلالی)، علم حدیث و حفظ متون حدیثی، تاریخ اسلام، شناسایی کشورهای اسلامی، ادبیات فارسی و عربی، معلومات عمومی، درس اخلاق و فنّ خطابه به صورت علمی و عملی بود. دارالتبلیغ، برای نخستین بار مرکزی برای جذب و تربیت طلاب خارجی و آموزش و ساماندهی آنان تأسیس کرد (همان).

ایجاد مرکز آموزش برای زنان طلبه نیز برای نخستین بار در دارالتبلیغ صورت گرفت که پس از تأسیس مکتب توحید، در آنجا مرکزیت یافت. انتشار نشریاتی برای جوانان و حتی کودکان با عناوینی مانند پیام شادی، در شمار فعالیت‌های این مرکز بود (همان).

البته نباید از این مسئله غافل شد که ایجاد چنین مرکزی با آن گستره و به‌ویژه فعالیت آن در امور بین‌المللی، موافقت دستگاه امنیتی رژیم را طلب می‌کرد. این مسئله، سبب می‌شد تا مدیریت دارالتبلیغ، رابطه خود را به شکل محدود با رژیم حفظ کند و توصیه آنان را در مواردی بپذیرد. در شرایطی که در میان روحانیان قم، یک جنبش انقلابی جدی بر ضد پهلوی ایجاد شده بود، تأسیس چنین مرکزی نوعی منحرف کردن مسیر حرکت انقلابی تلقی می‌شد. از این رو، برخی طلاب و فضلاء حوزه علمیه که علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کردند، در باره این مرکز ملاحظاتی داشتند و با دارالتبلیغ میانه خوبی نداشتند. اکبر هاشمی رفسنجانی معتقد است: «مخالف دارالتبلیغ نبودیم؛ ولی احساس ما نیروهای مبارز، این بود که آیت‌الله شریعتمداری دارالتبلیغ را وسیله مبارزه نکردن قرار داده است» (همان).

چنان‌که گفته می‌شود، امام خمینی نیز به صلاحیت این مؤسسه تردید داشته است. به گفته آیت‌الله حسینعلی منتظری که خود از شاگردان امام خمینی بود، مخالفت ایشان ارتباطی به تربیت مبلغ نداشت و بیشتر ناشی از این بود که ممکن است این مؤسسه، باعث غفلت از مبارزه با رژیم سلطنتی شود (همان).

مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۴۳ از طرف آیت‌الله سید حسن قمی (۱۲۹۰-۱۳۸۶) به قم رفت تا از نزدیک دلایل طرفین را جویا شود. امام خمینی (۱۲۸۱ق) شش دلیل در مخالفت خود با دارالتبلیغ آورد که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این دلایل در آن زمان، منطقی بود. او سپس، نزد آیت‌الله شریعتمداری (۱۲۸۴-۱۳۶۵ش) رفت و دلایل امام خمینی را بیان کرد؛ اما آیت‌الله شریعتمداری آنها را نپذیرفت (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸).

در ادامه تنش‌های موجود آیت‌الله محمدهادی میلانی (۱۲۷۴-۱۳۵۴) که در مبارزات سال‌های ۴۱ نقش مهمی داشته، بر مسئله دارالتبلیغ حساس شد و در این باره پرسش کرد و آیت‌الله شریعتمداری طی نامه‌ای پاسخ داد. آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی (۱۳۰۱-۱۳۶۰) نیز تلاش‌هایی را در جهت حل این اختلافات انجام داد. وی طی مذاکرات چندباره، طرحی ده ماده‌ای را در زمینه اصلاح حوزه علمیه و برنامه‌های جدید ارائه کرد؛ اما نتیجه نگرفت (همان).

شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) با وجود همکاری‌های محتاطانه‌ای که با دارالتبلیغ داشت، بعدها در نامه‌ای به آیت‌الله شریعتمداری نوشت: «لازم بود دارالتبلیغ در آن موقع اقدام

نشود و قدری تأخیر بیفتد» (همان).

به دنبال خلع مرجعیت از آیت‌الله شریعتمداری توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۱ ش، امام خمینی طی نامه‌ای دارالتبلیغ را به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم واگذار کرد (موسوی تبریزی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۷):

با توجه به اینکه آقای شریعتمداری دیگر صلاحیت اداره دارالتبلیغ اسلامی قم و انتشارات و چاپخانه و کتابخانه و متعلقات آنها، اعم از ساختمان‌ها و خوابگاه و غیره را ندارند و نمی‌توانند در باره آنها سرپرستی کنند و از آنجا که همه آنها طبق اعترافات خودش، از وجوه شرعی و زکوات و عطایای مردم و از بیت‌المال مسلمین تهیه شده است، با کسب اجازه که از محضر مبارک ولی فقیه و مرجع بزرگوار و امام امت، آیت‌الله العظمی امام خمینی (مد ظله العالی) شد، ایشان اجازه فرمودند که دفتر تبلیغات اسلامی قم، تمامی موارد فوق الذکر را به نحو احسن اداره نمایند. امید است که با اعمال مدیریت صحیح و دقت کامل در حفظ بیت‌المال، کما هو حقّه بهره‌برداری به نحو اتم و اکمل در مصالح اسلام و مسلمین و ترویج شریعت مقدس اسلام و مکتب جعفری علیه السلام و تربیت طلاب علوم دینی و مروجین و مبلغین مذهبی انجام گیرد و همواره مورد توجه حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشد. از این تاریخ، می‌توانید با صورت جلسه کامل، همه موارد فوق و کلیه وسایل موجود را از دادستان محترم انقلاب اسلامی قم تحویل بگیرید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۱۹۱).

۶. تأسیس مؤسسه ولی عصر، یکی از اقدامات مهم طرفداران امام خمینی در جهت نوگرایی در حوزه علمیه به حساب می‌آید؛ هرچند در منابع مختلف تاریخی، اشارات اندکی به ابعاد مختلف این مؤسسه می‌توان یافت. کتابخانه ولی عصر، مرکزی فرهنگی و علمی با اهداف رویکردهای نوگرایانه به شمار می‌آید که برنامه‌های اجرانشده آن، شباهت زیادی با مؤسسات جدید حوزوی، از جمله دارالتبلیغ و مؤسسه در راه حق داشت. راه‌اندازی محلی برای مباحثه طلاب، امری جالب و ابتکاری بود. همچنین، وجود بخش پژوهشی در کتابخانه نیز امری کم‌سابقه در حوزه بود. به احتمال زیاد، در صورت ادامه کار کتابخانه، واحد انتشاراتی این مجموعه نیز فعال می‌شد و نتایج پژوهش‌های مؤسسه را منتشر می‌کرد و به احتمال قوی، کلاس‌های تدریس پیرامون مسائل بر زمین مانده در حوزه علوم اسلامی، با منظور کردن اقتضائات دنیای جدید، برقرار می‌شد. حضور شهید مطهری و آقایان ربانی و قدوسی و سایر

چهره‌های سرشناس حوزه، قطعاً می‌توانست به این مجموعه رونق دهد. از سوی دیگر، این مرکز می‌توانست جایگزین خوبی برای طلبه‌های نوگرایی باشد که دارالتبلیغ را نمی‌پسندیدند و به دلیل سکوت امام و نقل‌هایی که در باره موضع ایشان در حوزه پیچیده بود، علاقه‌ای به حضور در این مؤسسه نداشتند؛ اما ساواک در مقطعی، کتابخانه را تعطیل کرد که هنوز این مؤسسه، از آب و گل بیرون نیامده بود و بسیاری از علما و طلاب، به ماهیت آن پی نبرده بودند و به همین دلیل، ماهیت آن بعدها بر بسیاری مورخان پنهان باقی ماند.

۷. «کانون تحقیقات اسلامی»، یکی از ناشناخته‌ترین مؤسسات فرهنگی حوزوی در عصر نهضت مبارزه با پهلوی به شمار می‌رود. متأسفانه، اطلاعات اندکی از این نهاد فرهنگی وجود دارد که یکی از دلایل اصلی آن را می‌توان بسیار کوچک بودن این مجموعه و فاصله کوتاه تأسیس مؤسسه تا ادغام آن در سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷) برشمرد. بسیاری از برنامه‌های مؤسسه، پس از انقلاب پیگیری شد. به دلیل فقدان منابع مناسب و ادغام کانون تحقیقات اسلامی در سازمان تبلیغات، کتاب محمدباقر انصاری محلاتی با عنوان سفر به کشورهای مختلف جهان در ارتباط با انقلاب اسلامی، تنها منبع مورد استفاده این پژوهش در باره مؤسسه یادشده است. در واقع، هدف شهید بهشتی از راه‌اندازی این مؤسسه، ایجاد یک مجموعه کوچک و کیفی و حرفه‌ای حوزوی برای تبلیغ در خارج از کشور بود.

شناساندن اسلام به جهانیان، یکی از دغدغه‌های اصلی نوگرایان را شکل می‌داد. شهید بهشتی، در این خصوص، اقدامات متعددی انجام داد که حضور او در مرکز اسلامی هامبورگ، فرصت مناسبی در این زمینه فراهم آورد. شهید بهشتی در آلمان، به تعلیم و تربیت نیروهای مفید برای آینده اسلام پرداخت و جمع‌های کوچک ۳ تا چهار نفره از دانشجویان و طلاب جوان و خوش‌فکر را به کار گرفت؛ به عنوان مثال، حجت‌الاسلام محمدباقر انصاری محلاتی و مسیح مهاجری، برای تربیت مبلغ خارج از کشور برگزیده شدند؛ چراکه انصاری محلاتی، درس‌های حوزوی را تا خارج فقه و اصول گذرانده بودند و مقداری نیز زبان انگلیسی می‌دانست و چند کتاب انگلیسی و دو کتاب در موضوع مسائل اجتماعی مسلمانان، از عربی به فارسی برگردانده بود (انصاری محلاتی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

۸. در نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰ شمسی، از ادغام دو مجموعه با عنوان‌های «مؤسسه

خیریه تعلیماتی - تحقیقاتی دینی و علمی در راه حق» و «مؤسسه خیریه تعلیماتی - تحقیقاتی اصول دین» که به ترتیب در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ شمسی آغاز به کار کرده بودند، «مؤسسه در راه حق» به وجود آمد (استادی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۵).

منابع

۱. احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۰ش، خاطرات فقیه اخلاقی: آیت‌الله احمدی میانجی، تدوین: ع. ابادری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. اراکی، محسن، ۱۳۸۴، «نظری کوتاه بر جنبش نواندیشی دینی در حوزه‌های علمی ایرانی در نیمه دوم قرن بیستم»، رواق اندیشه، شماره ۴۴.
۳. استادی، رضا، ۱۳۸۷ش، خاطرات حاج شیخ رضا استادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. اسکندری، حسین، بی‌تا، زندگی‌نامه، بازیابی از سایت شخصی حجت‌الاسلام والمسلمین حسین اسکندری، نشانی: qomqalam.ir/introduction/scholars-of-qom/201
۵. انصاری، حمید، ۱۳۷۸ش، حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. باغستانی، اسماعیل، بی‌تا، دانشنامه جهان اسلام، «حوزه علمیه».
۷. بخشایشی، ع، ۱۳۶۰، «کتابخانه‌های عمومی حوزه علمیه قم»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۳.
۸. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱، «ناشناخته‌های تاریخ ایران و اسلام»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۶.
۹. _____، ۱۳۸۶ش، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران، نشر مورخ.
۱۰. _____، ۱۳۹۱ش، اطلس شیعه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. _____، ۱۳۷۸، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)، تهران، انتشارات خانه کتاب.
۱۲. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، تلخیص کتاب گلشن ابرار.
۱۳. جمعی از نویسندگان دارالتبلیغ، ۱۳۴۸ش، سیمای اسلام: نشریه دارالتبلیغ اسلامی قم، تهران، دارالتبلیغ اسلامی قم با همکاری شرکت سهامی انتشار.
۱۴. حائری، ۱۳۸۶ش، روزشمار شمسی.
۱۵. حقانی، حسین، ۱۳۷۱، «پایگاه‌های جهاد و اجتهاد»، مجله حوزه، شماره ۵۲.

۱۶. _____، بی تا، «تاریخچه مدرسه منتظریه حقانی»، بازیابی از وبگاه مدرسه حقانی: madreshaghani.ir
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، بی تا، «بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم»، بازیابی از وبگاه آیت الله خامنه‌ای: khamenei.ir/speech-content?id2587
۱۸. خمینی، روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۹. دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۲۰. دین‌پرور، سید جمال‌الدین، ۱۳۸۰، «بنیاد نهج البلاغه از زبان حجت‌الاسلام والمسلمین سید جمال‌الدین دین‌پرور، مؤسس و رئیس بنیاد نهج البلاغه»، نشریه پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۱.
۲۱. _____، ۱۳۸۵، «فعالیت‌های بنیاد نهج البلاغه»، اخبار شیعیان، شماره ۱۵.
۲۲. روحانی، حسن، ۱۳۹۱، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳. روح‌بخش اله آباد، رحیم، ۱۳۸۸، «میراث مرجعیتی آیت‌الله بروجردی و نهضت امام خمینی»، مجله حضور.
۲۴. زمانی، کریم، ۱۳۶۵، «آشنایی با نهادهای علمی و فرهنگی: بنیاد نهج البلاغه»، کیهان فرهنگی، شماره ۳۱.
۲۵. شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۶. صحرایی، شهرام، ۱۳۹۸ش، «شریعت‌مداری»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۷. طاهری خرم‌آبادی، سید حسن، ۱۳۷۷ش، خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. عسگر سپهوند، بهار ۱۳۷۴ش، «دار القرآن الکریم آیت‌الله العظمی گلپایگانی علیه السلام»، مجله پیام حوزه، شماره ۵.

۲۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۶۰، «مدارس حوزه علمیه قم یا مهد پرورش شخصیت‌های بزرگ»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۴.
۳۰. گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۸۹ش، جامع فضل و فضیلت: مقالات و مقولاتی درباره کارنامه علمی و عملی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۱. متولی، عبدالله، ۱۳۸۳، آیت‌الله سید احمد خوانساری به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۲. موسوی تبریزی، سید حسین، ۱۳۸۴، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، جلد اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۳۳. _____، ۱۴۰۱، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۳۴. نشریه نور علم، بهمن ۱۳۶۳، «نجوم امت ۵: مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری»، دوره اول، شماره ۸.
۳۵. الهادی، م، ۱۳۵۴، «دار التبلیغ الاسلامی»، الهادی، ش ۱۰.